



وَاتَّبَعَ مَالَهُ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا  
بِإِذْنِ رَبِّهِ كَيْفَ اِبْرَاهِيْمَ بَالُغًا

---

دین حنیف یا رسالہ حنیفہ

حرمت دیش تراشی



( بقلم )

دانشجوی محترم

قائم علی اکبر صوری قمی

- نزل -

( نجف اشرف )

---

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم  
خلق الله المثلثة من المثلثة وهن مثل  
فعليه لعنة الله

فرمود بیغمبر اکرم (ص) تراشیدن  
آرایش نوعی از مثله کردن است  
هر کس مثله کند لعنت خدا بر اوست

---

---

طبع في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف



وانبع ملاذ ابراهيم حنيفنا  
بهردی کسید کبش ابراهيم بالله را

---

دين حنيف يا رساله حنيفه

حرمت ريش تراشی



( بعلم )

دانشجوی محترم

اقاي علي اکبر صوري قمی

- نزيل -

( نجف اشرف )

---

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم  
حكي اللحية • من المثلة ومن مثل  
فعلیه لعنة الله

فرمود به خمر اکرم (ص) تراشیدن  
ریش نوعی از مثله کردن است  
هر کس مثله کند لعنت خدا بر اوست

---

---

طبعته في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« تقدر بقلم الحنفية آية الله السيد ميرزا عبد الهادي الشيرازي »

« ادام الله بعائنه »

بسم الله والله الحمد وافضل صلواته على افضل بريته محمد وآله  
صلى الله عليهم اجمعين . احترم ابن رساله شريفه را كه از تأليفات  
جناب مستطاب تفقه الاسلام مروح الاحكام العالم العامل والبارع  
الركي الكامل آغا آفاسميخ علي اكبر الصبورى القمى دامت  
توفيقاته وتأييداته است مطالعه نمودم الحق والانصاف بگویند  
نموده وجهات مسئله را بنحو اوفى با استدلال بيان فرموده  
شايسته هر نوع شكر و تقدير است حزاء الله عن الاسلام خبر  
الجزء وحشره الله مع المجاهدين في سبيله والمجاهدين عن دينه

الأقل عبد الهادي الحسيني الشيرازي

في ١٩ جمادى الثانية سنة ١٣٦٨

« تقر بلفظ العلامة حجة الاسلام الشيخ محمدحسن (المدعو) »  
 « بأقاؤرك الطهراني »

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس گذاري روا نيست مگر آن بكانه بي همتارا كه در فطرت  
 هر مخلوقي ثنا كوتى خود را بادكار كندارده « مامن شيء الا يسيح  
 بحمد ربه » و در طبيعت هر بشرى قوه شناسائى خوبى را مىكشود  
 دانسته « ما خلق الخ والانس الا ليعبدون » پس زهي سعادت مند  
 خواهد بود كسيكه ما بالقره ابراهيمي شود. سهي كردن در سانبند  
 خود را بنده زنده كافي خود و صرف نمودن سرمايه عمر و رهبري را  
 در بسا كردن راه راست سعادت مند. ابراهيمي خود و نماني دادن آنرا  
 با بناء حدس خود و الحق و الاضاف كه كرمي اين سعادت را كجا هو  
 حقه ر بوده است و مؤلف اين كتاب مستطاب كه مطالبه و معاني آن  
 و معي از تقريل و الامراء و احكام است و هو الفاضل الدارع الكامل البالغ  
 من اتب الشيخ الكمار و هو في ترموع التمام و لا نا الشيخ علي اكبر  
 الصوري القمي اكبر الله في سماء العالم او ثاب و باقه عابد آمانه چه انكه  
 اين و مورد شريف از آنجه ر طينه دن داري و حتى پرسی بود كه  
 كوتاهي نموده و بقال اخذ سار سالي از كمال و مسائل اين مزرعه  
 قابون دين حنيف را كه دست از اداي راه باس باس و سفاكه و جبهال  
 عوام آنرا كرجك كرده دشت ناني نموده و اين معصيت كهبره را كه  
 آمان آنرا حقير شمرده بلكه آنرا از مباحثات اصليد در انتظار قلم داد  
 كرده اند بصدای بلند عطمت و بزرگي آنرا مستر ش ايناء هوش  
 رساننده و عزاد الله عن حمايه داده و فافوقه خبر بجزاء المحسنين و حشره  
 مع العاصاء العاصي في اعلى علمين و الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام

علي زسوله محمد وآله الطاهرين  
حرره اهل العباد عملا واكثرهم ذبا وجرما المسمى بمحمد محمد  
تسعين والمدعو بآقا بزرگ الطهراني نزيل الغري السري والنجف الأشرف  
في « ١٢ » ج ٢ - ١٣٦٨ »

« تقریظ بفلم العلامة الحجة آقا میرزا محمد علی الغروی الاربدوبادی »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين احببني

این سنن شریف کہ بنحو اوفی وارث مسئله و بطریقہ سایان خارج  
وعہدہ دار جہات و طباب بصورہ مرضیہ است یکی از حسنات عصر  
حاضر میباشد فحیا الله مؤانہ العالم البارع - اثره الوف وغره الزمن  
العلامہ الاوحد الشیخ علی اکبر الصبورى القمى لارالہ حامیۃ الدین  
وداعیہ الہدی

الأحق محمد علی الغروی الاربدوبادی

حرر فی ١٤ ج ٢ / ١٣٦٨

## سبب تألیف

چون حقیر سال گذشته از تعذبات عالیات بقصد زیارت حضرت رضا علی بن موسی علیه آلاف التحية والسلام رهسپار یاران شدم و خوب در وضع دبات جامه تکاوش و کجکاو می نمودم دیدم و افعا بقدری فوج اعمال محرمه را از نظر جامه روند بطوریکه اصلا بعضی از محرمات الهی را انکار و در مقام تحلیل آن محرم هستند یکی از محرماتی که فعلا غالب مردم مخصوصا مسجدین (عصر اتم) مرتکبند همانا تراشیدن ریش است که اصلا فبیحی ریش آنها ندارد بلکه گذاشتن ریش را قبیح میدانند و اگر آنها را هم نبی از این عمل شنیع نمائی در جراب میگوید در کدام از صفحات قرآن این عمل سده و مادر صحنه ۸ در خطای جاهلان در احکام سرعیه همین نمودم که این حکم الهی « حرمة ریش تراشی » در کدام از صفحات درج شده و از چه نصیحتی باید احکام الهی را اخذ کرد و لذا بعد از مراجعت به جف اشرف حاضر و بشدم درس یکی از مدرسن طراز اول نجف اشرف و ایشان خارج مکاسب محرمه تدریس مینمودند ووقعی که مسئله حرمة لجو و لوب را تا آخر رسانیدند بعضی از فضیلتی حوره درس را ایشان خواندند نمودند که در همراهون حرمة ریش تراشی بحث نمابند و ایسان هم کما هو حقه تمام ادله حرمة را از آيات و اخبار و تفیل و سیره و اجماع بیان نمودند و حقیر مطالب را نااملوب ساده نکاتتم نازیادتی اجماع مذاهب اربعه بر حرمة ریش تراشی و اقوال اطباء قدیم و جدید در مضرات ریش تراشی

اول الطلعة لخدمة العلم والدين

علاء اکبر الصبوری القمي



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنیده بخشایسز

بس از سناین و سمان خداوند جهانیان و صلوات و سلام بر اشرف  
مکینان و سید کابات و خلاصه موحودان محمد بن عبد الله صلی الله علیه  
و آله و سلم و صلوات ببعده حصر بروح ناله جاسس بلا فصل و خایند  
برحق وی مولی الکونین علی بن ابیطالب ع\* و بر نازده فرزندان  
اوباد خدا را سباس که درهای دانس را بروی ما کسود تا علوم  
اسلامی را پابدار کنیم و کتمان حقایق او نشود

« مقدمه اول »

( منضرات کتمان احکام شرعیه )

« سورة بقره » { ان الذين يكتفون ما انزلنا من الایات والمعادی  
من بعد ما بیناه للناس فی الكتاب اولئک یلعنهم اللاعنون . الا الذین  
تابوا واصلحووا و یبتغوا فلئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم . ان الذین  
یکتفون ما انزل الله من الکتاب و یشترون ثمنا فایلا اولئک ما  
یأکلون فی بطونهم الا المسار ولا یمکلمهم الله یرم القیمة ولا یرحمهم  
ولهم عذاب الیم . اولئک الذین استروا الصلابة بالهدی والعذاب بالمغفرة  
فما اصبرهم علی النار ذلک بأن الله نزل الکتاب بالحق وان الذین اختلوا  
فی الکتاب انی شقاق بعیدها

« ترجمه » بدرستی که کسانی که مخفی میدارند آنچه را که نازل  
کردیم از بیان آشکار و واضح و هدایت بس از اینکه او را برای همه  
مردم آشکار نمودیم در کتاب آنها را خدا و اعنت کنندگان ( ملائکه  
و پیغمبران و اولیاء ) اعنت میکنند مگر کسانی که توبه و خود را  
اصلاح بنمایند و احکام الهی را آشکار کنند از آنها میگذریم و من

آمرزنده ام و مهر نامم و میفرماید بدینسانیکه کسانی که غنای مبادارند چیزی را که خدا در کتاب نازل کرده و او را میفرمود بشمن قایلند آنها نمیخورند در شکمشان مگر آتش را و خدا با آنها سخن نمیگوید و آنها را با کینه نمیکنند و عذاب دردناک برای آنها است و آنها کسانی هستند که هدایب را فرو خنند و ضلالت و گمراهی را خریدند و حق در آتش جهنم صبر خواهند کرد برای اینکه خدا کتاب را بنوع نازل کرده و کسانی که در کتاب اختلاف نمودند برای مخفی کردن احکام الهی در سر باجی و سرگردانی و دوری هستند. ای متطهرین بدیانت بدانید که احکام الهی تمامش اربادات و معاملات و سیاست برای جلب مصالح و دفع مفاسد جعل شده است و مخفی شود بشر از مصالح آنها محروم و مفاسدی دچار خواهد شد که باعث تسویش و اختلاف کلمه مابین افراد جامعه میشود و هر کس روی هوی و هوس که دارد حکمی و رأی اتحاد میکند و عموم مردم دچار سرگردانی و بلا تکلیفی میگردند

### « مقدمه دوم »

( وظیفه جاهلان در احکام شرعی )

در شریعت اسلام تمام تکالیف بشر از جزئی و کلی معین شده بطوریکه هر کس بوظیفه مقررده خرد عمل نماید هیچ نقص و خللی در امور او وارد نخواهد شد از جمله تکالیفی که برای جاهل مقرر شده در سریع انور در ابتداء امر رجوع نمودن او به عالم در احکامی که راجع بدین است و انسان اگر قوه استنباط ندارد باید در تمام احکام از جری و کلی رجوع بمنی و عالم نماید و حق ندارد بدون کسب عالم چیزی بگوید و حکمی را بیان نماید و این اصل موافق



از عباد و معاملات و سیاسات در این کتاب تجرید بر عهد بیغمبر اسلام است که برای امت خود بیان نماید و بعد از خودش هم وصی قرار داده و فرمود این کتاب از عنبره من جدا نمیشود تا اینکه روز قیامت وارد شوند بر من در سؤال میمائیم از این اشخاص که در کدام از صحیفات قرآن نوشته شده نماز صحیح دو رکعت است و بجه نحو باید خوانده شود و بجه نحو باید حج نمود و غیر ذلك از احکام مادر جواب از طرف این اشخاص میگوئیم که بیانات این احکام راجع به بیغمبر ص است اسلام است و بعد از خودش هم محول فرمود بآئمه معصومین علیهم السلام و فعلایم که رمان غیبت است بیان این احکام راجع است بحامیان دین و مجتهدین اسلام که خود امام اینها را تعیین نموده است از برای بیان کردن احکام و رجوع کردن مردم بآنها پس بنا بر این باید رجوع بمجتهدین نمود و بدون جهت دروغ بر خدا و بیغمبر ننندید که دروغ گفته بخدا اکید آ در قرآن کریم و احادیث شریفه ممنوع شده « در سوره کهف » فرمود { ولا تقولوا لما تصف الستم الکذب هذا حلال و هذا حرام } و لنتروا علی الله الکذب ان الذين یفترون علی الله الکذب لا ینفحون {

« ترجمه » میگوئید آنچه را نمان وصف کرده که این حلال است و این حرام برای اینکه دروغ بخدا می بدهد حتما کسانی که بخدا دروغ می بدهند رستگار نمی شوند و نیز در احادیث شریفه و عید عقاب شدید الهی بر گفته بخدا بدوزخ علم داده شده و حضرت امیر المؤمنین ع میفرماید اگر از آسمان بیفتیم و کرکس هاتن مرا برانند و نکه تکه کنند دوست تر نزد من است از آنچه بر رسول خدا بگویم که از بیغمبر نشنیده باشم با این آیات کریمه و احادیث شریفه بجه میزان

حاجات است من بعدی مقام علمی می شوند و بدون اینکه رجوع باخبار  
واحد به نمایند سخن میگویند تمام این احکام الهی از جریات  
و کلیات آن روی یک مصالح و مفاسد جعل شده حصص نمی خواهم  
فلسفه احکام را بیان نمایم بلکه احوال اطباء که مضراتی از برای ریش  
تراشیدن گفته اند نقل می‌کنم

« احوال اطباء »

( در مضرات ریش تراشی )

نظر بانکه فعلا و بعد ازین عصر طوائف بیشتر آشنای با کلمات  
« موسیو فلان » هستند و با کلمات آئینه هادی سلام الله علیهم سرو  
کاری ندارند بلکه بسا میشود عجز بابتد اطعیا نشان به جلد که نقل  
شده « از دکتور فلان و ایدکتور فلان » بیشتر اسب از کلمات  
معصومین و لذا قبل از آیات و اخباری که در این باب وارد شده  
مقداری از کلمات اطباء ممالك خارجیه را نقل مینمائیم در تاریخ (اسریکا  
در صفحه ۱۶۰) سجعان رومانی میگوید بعضی از این مردم امروز  
از ریش تراشیدن خوششان می آید و حال آنکه گذاشن ریش «تر  
است از تراشیدن بجهت اینکه بطاسی شپیر « دکتور فینکور جرج »  
گفته است از برای ریش مسافع زیادی است از جمله دهسان را حفظ  
می‌کند و موانع از رطوبت می‌شود و دندانها را غدد لعابیه را پاکیزه نگاه میدارد  
در روزنامه « العدل که در اسلامبول » نشر میشود در شماره یکصد  
وسی و دوم بتاریخ - ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ - درج شده باین عبارت « ضد  
حقائق اللعیه » تألیف جمعیه فی انکفرا لمقاومه استعمال الموسی و من  
مبادی هذه الجمعیه السعی فی حمل الناس علی ارسال لحائهم بحججه ان  
الموسی تكون سببا من اسباب نقل العدوی والأمراض المعديه وقد

طبعست هذه الجمعية منشوراً وزعته على كبار الانكليز واعيانهم وددعتهم فيه لتائبها بارسال لحام حتى يتشبه بهم الشعب وقد وضعت في المنشور صورتين واحدة تمثل رجل حليق الذفن والاخرى تمثل رجل ذا الحية وجهت كل المحاسن في الوجه الثاني كما ملئت لوجه الأول بالقبايح الخ « ترجمه » در اين روزنامه كه در اسلامبول منتشر ميشود برعليه وضعت عادت ريش تراشي جماعى در انگلستان انجمن نموده اند سخت جلو كيرى مينمايند از كار كردن تيغى بر رخسار ريش تراشيان و از حمله تعليمهاى اسامى اين جماعتى سعى وتلاش در اينكه مردمان را وادار كنند برها ساختن ريش وترك تراشيدن آن بجهت اينستكه تيغهاى دلاكان مايه سرايه وتعدى امراض مسريه است لب ودهان وجهره وكاوى ريش تراشان درستي كه اين اخمن ورهه جاب نموده وبرزرگان انگليس ولوردهاى ايشان قسمت وبخشش نموده وايشان را بمساعدت خود خوانده كه رها سازند ريشهاى خود را تا اينكه عموم مات تقايد آنها وبروى بنابند ودر اين ورهه دو صورت جاب شده يكي تمثال مردى كه ريش خود را تراشیده است ودر او جميع ريشها و بدنها را لباس داده و ديگرى تمثال مردى كه ريش خود را رها ساخته ودر او جميع زبائنها و خويها راجلوه و نابش داده اند و اين در ( مجلله المقدس ) چاپ دهسقى در حلد ششم صفحه ( ۱۴۲ ) اثبات نموده كه تيغهاى ريش تراشان نافل امراض وباعث سرايت دردها است بجهره و صورت مردمان تندرستى كه به تراشيدن ريش عادت نموده اند ( قال سيجعان وعيره ) انهم حلقوا مرة لحي جميع مستحدي السكك الحاد بدنه في ابام الشتاء ويحصل لاكثرهم وجع ونخر في الاضراس في الاسنان وورم في الغدد اللعابية

( ترجمه ) سجعمان و اطباءى ديگر كه مثل ( دكتور جرج ) گفته اند كه در زمانى تراشيدند ريشها را كار كنندگان را در موسم زمستان پس بيشتر از اينها مبنىا بندد دندان و آماس و اورام سيخى شدند در غده هاى كه سرچشمه هاى لعاب كالو و دهان است ( سجعمان ) گفته اند كه اهل اين ممالك ديده و متلاى بمرض زكام بودند بعد از بكي از اطباءى حافظ اور كرد مردم را كه ريش بكنارند و آنها هم عملي نمودند بكنلي زكام از ماس مردم بر طرف شد از اين كونه اقوال اطباء زياد است و احتياج ندارم بزابد آن بعد از اينكه اخبار زيادى از ائمه هدى عليهم السلام ترجمه ريش تراشي وارد نشده ( استدلال بر حرمة ريش تراشى )  
( از قرآن كريم )

( ۶ ) از جمله استدلالات نایه کربیه ( و اتبع ملذراهم حنیفا ) است در تفسیر علی بن ابراهیم فیه نور الله مضجعه از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود نازل کرد خداوند تبارک و تعالی بر حضرت ابراهیم حنیفیه را « الطهاره » که عبارت باشد از پاکیزگی که آن ده چیز میباشد پنج چیز آن راحع بسم است و پنج چیز راجع ببدن آن چیزها نیکو راجع بسم است

(اول) کرفتن سارب «سایل» (دوم) گذاشتن ریش (سوم)  
تراشیدن موی سر (چهارم) مسواک کردن «پنجم» خلال نمودن  
و اما آن پنجم چیزی که راجع به بدن است

« اول » تراشیدن هواز بدن « دوم » خنسه کردن « سوم » ناخن گرفتن « چهارم » غسل جنابة « پنجم » طهاره بآب و این ده چیز حنیفیه حضرت ابراهیم است که آورد برای امت خود و نسبت

نشده و نسخ نخواهد شد تا روز قیامت مجلسی علیه الرحمه در جلد (۱۶) بخار از طرق عامه مثل همین نقل میکند وجه استدلال بآیه شریفه این است که این ده چیز نسخ نشده و بنوعی اسلام مأمور بوده است بمنابعت این ده چیز و دعوت کردن امت را بر آن و از جمله این ده چیز گرفتن شارب است که مستحب است و گذاشتن ریش که ممنوع است از تراشیدن آن اگر کسی بگوید سیاق روایت این است که دلالت بر حرمة نکنند بجهت آنکه روایت مشتمل است بر بعضی از امور مستحبه دیگر جواب میدهم

«اولا» باینکه روایت مشتمل است بر غسل جنابه که از واجبات است «وثانیا» ظهور امر (اتبع) در وجوب است مادامیکه ترخیصی از طرف خود شارع وارد نشده باشد و تنکیک فائل شدن بین فقرات روایتی که مشتمل است هم بر امور مستحبه و واجبه در کلمات اهل ادب عزیز الوجود نیست

(۲) دوم استدلال بآیه کریمه (و ان الدعوان الاستبطان امر باء) لعنه الله و قال لا تخذ من عبادك نصيبا مفروضا ولا من انفسهم ولا من انفسهم فليمتكن اذان الانعام ولا من انفسهم فليمتكن حای الله) «ترجمه» بعضی نماز خوانند مگر سلطان سر کسی را کتف شیطان فرا گیرم از بدن کان تو بهره که مقرر شده و هر آینه گمراه کنم ایشان را و نه آرزو اید از ایشان و میفرمایم ایشان را پس بپرداز ایشان کوتاهی چهار زبان و فرمایم ایشان را پس تغیر میدهند خلفی خدا را و وجه استدلال باین آیه بعد از تسلیم دو مقدمه است

اولا - اینکه ریس تراشیدن از جمله تغیر دادن در خلق الله بوده باشد ثانیا - اینکه تغیر در هر خلقی خلاف امر الله است و او را بدست که



دلیل بر جواز بوده باشد مثل ختنه کردن و ناخن گرفتن که بقیمت  
اینها ارتعیر در خلق الله است و لکن خرد شارع تجویز کرده بلکه  
لازم الاجراء است پس در نتیجه این صغری و کسری آیه (وایعیرن  
الله) شامل این فعل شنیع میشود و ثابت میشود حرمتش بجهت اینکه  
ترخیص از طرف شارع نشده بلکه در اخبار زیادی نهی از این عمل شده  
و علاوه بر این تعییر خلق را که قسمی از آن ترانیدن ریش است  
شیطان لعنة الله علیه امر میکند برای اضلال کردن خلق و شیطان  
هیچوقت آدم را بر عمل مباح امر نمیکند همیشه بربك عملی امر میکند  
که باعث غضب الهی شود

« اخبار وارده »

( در حرمة ریش تراشی )

« ۱ » از جمله خبری است که روایت شده در فرب الاسناد که تألیف  
شیخ القمیین است و مجلسی علیه الرحمه از تهذیب که یکی از کتب  
اربعة و تألیف شیخ طوسی است نقل میکند  
عن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب  
عن اخيه موسى بن جعفر قال سألته عن اخذ التراب اسنه هو قال نعم  
وسألته عن الرجل له ان يأخذ من لحية قال امامن عارضيه فلا بأس  
وامامن مقدده ولا

« ترجمه » اما علی بن جعفر راوی روایت جلالت و عظمت قدرش  
بحدی است که محتاج به بیان نیست و قبر شریفش معروف است در  
خارج « شهر قم » و لکن محاسنی ثانی اعتراض کرده بر پدرش که قبر  
ایشان بودنش در خارج قم صحیح ندارد بجهت اینکه روی قبر نوشته  
شده فلان بن فلان ابن علی بن جعفر بعد تمام آن اسمها پاک شده فقط

علی بن جعفر باقی مانده و اشدباه شده غرض مراد تجلی این است که این فبري که معروف به علی بن جعفر است یکی از اولادهای اینسان است و رمود علی بن جعفر سؤال کردم از برادر موی بن جعفر از کرفق سارب آیا مسح است و رمود بلی و سؤال کردم از مردی جایز است از برای اوزدن و کرفق ریشش را و رمود اما از دو عارض « دو کونه » عینی ندارد و لکن از مقدم عارض « صورت »

عیب دارد

« ۲ » از جمله اخبار خبری است که روایت شده در کتاب جعفریات تألیف ابی الحسن اسماعیل بن موسی بن جعفر ع \* قال محمد بن محمد ابن اشعث الکوفی عن ابی الحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد عن حمده علی بن الحسن بن ابیه عن علی بن ایضا اب \* قال قال رسول الله \* ص \* حاق اللحیه من المثله و من مثل فعلیه لعنة الله

« ترجمه » و رمود رسول خدا \* ص \* تراشیدن ریس از فیل مثله است و هر کس مثله کند لعنت خدا بر او است یعنی کجا انکه مثله کردن که قطع اعضاء مخصوص است در سرع مقدس یکی از محرمات است و و حب لعن الهی می شود و محدود لعن از پروردگار باعث بدی و عقاب است و چنان تراشیدن ریس هم از فیل قطع اعضاء است و موجب غضب الهی و مورد عقاب است

« ۳ » از جمله اخبار خبری است که در مجلد \* ۱۶ \* بحار مجلی علیه الرحمه از کتاب کافی نقل می کنند عن علی بن احمد الدقاق عن الکلی عن علی بن محمد عن محمد بن اسماعیل بن موسی بن احمد بن القاسم العجلی عن احمد بن یحیی المروفي یرو عن محمد بن حذاعی عن

عبد الله بن ايوب عن عبد الله بن هشام عن عبد الكريم بن عمر الجمحي عن حبابة الوالبيه قالت رأيت امير المؤمنين ع في سمرطه الخمين ومعه دره وله سبانبان يضرب بها يباعى الجري والمارماهي والزميز والطافي ويقول لهم ناياعى مسوخ بنى اسرائيل وجسد بنى مروان فقام اليه ورات بن احمف فقال له ياه امير المؤمنين وما جند بنى مروان فقال اقوام حلفوا اللحي وفنلوا الشوارب وسخوا النخ

— ترجمه — حضرت امير المؤمنين ع با تاربانہ دوسرہ خود فروشند کان ماهیان حرام کوست را میزدہ میفرمود ای فروشند کان مسوخ بنی اسرائیل و لشکر بنی مروان فرات بن احمف عرض کرد یا امیر المؤمنین لشکر بنی مروان کیانند فرمود افواہی بودند کہ ریشہا بشان را می تراشیدند و سیاہا بشان را می تازیدند و خداوند آنها را مسخ کرد این روایت صریح در حرمت است بجهت اینکہ مسخ شدن بسکال ماهیان حرام گوشت از معظم تر بن عذابها است و مسخ شدن کہ از معظم عذابهای الهی است نمیشود مکر از برای بک عملی کہ خیلی مهم و از کناہان کبیرہ باشد

« سیرہ فطعیہ »

( در فہج ریش تراشی )

اگر بانظر دقیق نکاو نمائی در تواریخ می یابی کہ از زمان حضرت آدم تا زمان خاتم و این زمان در جمیع اعصار و ادوار تمام ابدیاء و رسل و اوصیاء و اولیاء صالحین حتی بعضی از سلاطین حقیق این معنی را نموده و شنیده نشده کہ این عمل شنیع از احادیثی از این اشخاص سر بزند و اکثر بانظر دقیق تر نکاوئش نمائی می بینی کہ رؤسای مذہب و مراجع اسلام از عامہ و خاصہ بلکہ کہ فہمیدین و رہبانین و علمای بہود

و غیر علماء یهود از ملل و ادیان خارجه این عمل شلیع را مرتکب نمی شدند بجهت اینکه آن اشخاصی که قائل بمذهب اسلامند البته چون باید بقوانین مذهبی خود عمل نمایند این عمل شلیع را ترک کرده و اما آن اشخاصی که بدین هم قائل نیستند علی کل حال چون این عمل دارای مضراتی است که شخص عاقل مرتکب چیزی که مضرر برای نفس است نمی شود ولذا فعلا در ممالک خارجه پرفسورها و اطباء حاذق آن گونه قوانینی که در اسلام ضرر دنیوی دارد مرتکب نمی شوند

## نقل اجماع علماء شیعه

« در حرمة ریش تراشی »

اشخاصی که از علمای شیعه نقل اجماع بر حرمة ریش تراشی کردند میر داماد قدس الله سره در رساله شارع النجاش ورموده تراشیدن ریش حرام است

باجماع مسلمین و بهاء الملة والدین شیخ بهائی در کتاب اعتقاداتش فرموده تراشیدن ریش مثل بقیه کناهان کبیره است ارفعیل قار، سحر، رشوه و فرموده است احدی از علماء خدنه در این مسئله نکرده است و بسا باشد که از ضروریات و مسلمات نزد همه است

## نقل اجماع

« علمای مذاهب اربعه در حرمة ریش تراشی »

در کتاب (الابداع فی مضار الابتداع) ص ۴۰۷ تألیف شیخ علی محفوظ که از علمای طراز اول جامع ازهر مصر میباشد نقل اجماع

كرده ازمذاهب اربعة برحرمة ريش تراشى وماعين كلمات صاحب كتاب را نقل ميكنيم فال (وفد اتمقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحية وحرمة حلقها والأخذ القرب منه

«الأول» مذهب الحنفية قال في الدر المختار ويحرم على الرجل قطع لحية وصرح في النهاية بوجوب قطع ما زاد على الفبضة (بالضم) واما الاخذ منها وهي دون ذلك كما ينعله بعض المغاربة ومحنة الرجال فلم يجزه احدواخذ كلها فعل يهود الهند ومجوس الأعاجم اه (فتح) وقوله ما وراء ذلك يجب قطعه هكذا عن رسول الله ص\* انه كان يأخذ من اللحية من طولها وعرضها كما رواه الامام الترمذي في جامعه ومثل ذلك في اكثر كتب الحنفية

«الثاني» مذهب السادة المالكية حرمة حلق اللحية وكذا فصحها اذا كان يحصل به مثله واما اذا طالت قليلا وكان القص لا يحصل به مثله فهو خلاف الاولى او مكروه كما يؤخذ من شرح الرسالة لأبي الحسن وحاشيته للعلامة العدوي رحمهم الله

«الثالث» مذهب السادة الشافعية قال في شرح العباب (فائدة) قال الشيخان يكره حلق اللحية واعترضه ابن الرفعه بأن الشافعي رضي الله عنه نص في الام على التحريم وقال الاذرعي الصواب تحريم حلقها جملة لغير عملة بها اه ومثله في حاشية ابن فاسم العبادي على الكتاب المسد كور

«الرابع» مذهب السادة الحنابلة نص في تحريم حلق اللحية فمنهم من صرح بان المعتمد حرمة حلقها ومنهم من صرح بالحرمة ولم يحك خلافا كصاحب الانصاف كما يعلم ذلك بالوقوف على شرح المنتهى وشرح من تلوم الأداب وغيرهما مما تقدم تعلم ان حرمة حلق اللحية هي دين

الله و شرعه الذي لم يشرع لحاقه سواه وان العمل على غير ذلك سفه و ضلاله  
 اوفسق وجهاله او غفلة عن هدى سيدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم  
 - ترجمه - شيخ علي محفوظ مدرس قسم تخصص جامع ازهر مصر  
 در كتاب - الابداع في مضار الابداع - كه اين كتاب تمام بدعتهاي  
 كه در دين گذاشته شده نقل ميكند حقير نسخه اورا در نجف فقط  
 يك نفر داشت جناب ساعقي گرفتيم و استفاده نمودم خلاصه ميگويد  
 بتحقيق كه اتفاق و اجماع كردند مذهب اربعه بر وجوب گذاشتن ريش  
 و حرمة تراشيدن ريش و گرفتن از ريش بحدي كه نزديك تراشيدن  
 بوده باشد

(اول) از مذهب اربعه مذهب حنفيه است كه از ابو حنيفة نقل فتوي بر  
 حرمت كرده بنده و در «در المختار» كه گفته حرام است بر مرد كندن و از بين  
 بردن ريش را و تصريح كرده است در - نهايه - واجب است زدن  
 زياده از يك قبضه و اما گرفتن از ريش و كم كردن از يك قبضه كلاينكه  
 اين فعل اشخاصيست كه در مغرب زمين ساكنند و فعل مخنثين است  
 احادي مباح نكرده و گرفتن همه ريش را كلاينكه يهوديهاي هند  
 و مجوسهايي بنجم ميكنند الخ

در كتاب - فتح - گفته است بيشتر از يك قبضه را واجب است  
 قطعش همينطور بغير \* ص \* ميگرفت از ريش خود از طولش  
 و عرضش همچنين روايت كرده امام ترمذي در كتاب جامع خود  
 و مثل همين در بيشتر از كتب حنفيه است

«دوم» مذهب مالك است كه حرام است تراشيدن ريش و همچنين  
 زديكه صدق تراشيدن بكنند، و اما اگر كمي دراز بشود و زدنش  
 صدق تراشيدن نكند پس خلاف اولي يامكروه بجا آورده همچنين

است در شرح رساله ابی الحسن وحاشیه او بر علامه عدوی  
 « سوم » مذهب شافعی گفته است در شرح عباب ( فائده ) شیخان  
 گفته اند تراشیدن ریش مکروه است و اعتراض کرده ابن رفعه بر  
 شیخان باینکه شافعی تصریح کرده در کتاب - الام - بر تحریم  
 واذرعی گفته صواب حرام بودن تراشیدن ریش است همه اش را  
 بدون عله الخ و مثل همین گفته در حاشیه قاسم عبادي در کتاب مذکور  
 « چهارم » مذهب حنبلیها تصریح کرده اند بحرام بودن تراشیدن  
 ریش بعضی از حنبلیها تصریح کرده اند بدستیکه اکتفا کرده شده  
 بحرام بودن تراشیدن ریش و بعضی تصریح کرده اند بحرام بودن  
 تراشیدن ریش و خلاقی هم ننده مثل صاحب کتاب - الانصاف - مثل  
 اینکه دانسته میشود این مطالب در شرح - المنتهی - و شرح - منظومه  
 الأداب و غیر اینها و از این اقوالیکه ذکر شد دانسته میشود حرام  
 بودن تراشیدن ریش و حرمت تراشیدن ریش از دین خداوند و شیخ  
 او است که از برای خاق خود تشریع نفرمود مگر او را و عمل کردن  
 بغیر این - یعنی تراشیدن ریش - دیوانگی و کراهی است یا فسق و نادانی  
 است و یا غفلت از شریعت و راه آفای ما محمد \* ص \* است

## تائیدات از اخبار

( بر حرمت ریش تراشی )

۱- از جمله اخباریست وارد شده از طرق عامه و خاصه بر نهي از  
 تشبه بکفار و اعداء دین روایت کرده شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب  
 ( من لا یحضره الفقیه ) که یکی از کتب اربعه است و محل مراجعه امامیه  
 بآن کتاب است « عن اسماعیل بن مسلم عن مولانا الصادق \* ع \* قال

اوحى الله الى نبي من انبيائه قل المؤمنين لا تلبسوا ملابس اعدائي ولا تظعموا مطاعم اعدائي ولا تسلكوا مسالك اعدائي ولا تأكلوا ما آكل اعدائي فانكم اعدائي كما هم اعدائي

— ترجمه — حضرت صادق \* ع \* فرمود وحي نمود خداوند بيكي از انبياءش كه بمؤمنين بگو لباسهاي دشمنان مرا نبوشيد و غذاهاي دشمنهاي مرا نخوريد و طريقه و راه دشمنان مرا مكيريد والا دشمن من هستيد كما اينكه آنها دشمن منند پس شباهت و مناسكت با آنها حرام است از جمله طريقه آنها ريس ترانسيدن است كه حرام است و هر چه واحدی و مؤمنی اين خطاب شامل او ميشود و بر عهده او است كه در مواردیكه تشجيس ميدهد كه از آداب آنها است اجتناب كند

— ۲ — دو مین خبري كه مؤيد از براي حرمة ريس تراشي است خبری است كه روايت شده در كتاب — معانی الأخبار — كه شيخ صادق نقل کرده باسناده « عن علي بن غراب عن ولانا الصادق \* ع \* عن ابيه عن جده قال رسول الله \* ص \* حنوا السوارب و اعنوا اللحى ولا تشبهوا بالمجوس »

— ترجمه — فرمود رسول خدا \* ص \* بزويد سبيلها را رها كنيد ريس را اين روايت صريح است در نهی از تشبه بمجوس بدليل اينكه در خبر ديكر دارد « ان المجوس جزوا لحاهم و وفروا سواربهم و اما نحن فنجز السوارب و نعفى اللحى و هي الفطرة »

— ترجمه — فرمود امام بدرستي كه مجوس ميتراشيدند ريسهايشان را و ميكنند سبيلها را و اماما اهل بيت عصمت ميزنيم سبيلها را و ميكنيم ريشها را و جايز نبست از براي مرد مؤمن و مسلم اينكه خودش را شبیه بمجوس نهد و ممكن است از لا تشبهوا يالیهود كه



در بعضی از روایات دیگر دارد استناده شود بر اینکه اصلاً هیچ از ریش زده نشود و درار شود کما اینکه بعضی از علمای بهود اصلاً مقرر از هم نمیکنند و این موجب آتش است در بعضی از روایات وارده و ما خواهیم بیان کرد بزودی که از یک قبضه زیاده تر هم حالی از اشکال نیست

۳ - سومین مؤیدات مابین حرمة ریش تراشی خبری است که مجلسی علیه الرحمہ در جلد ۶ - بحار در باب مراسلات نبی بسوی مکه روم و فارس نقل کرده (آنکه کتب کسری الی - باذان - قهرمانه و هیز - بانویه - و کان کاتباً حاسباً و بعث معه رجلاً من الفرس یقال له - خر خسک - فکتب معهما الی رسول الله ص \* یا مره ان یصرف معهما الی کسری وقال لبانویه ویک انظر الی الرجل وکلمه واتی بخبره فیخرجاً حتی قدما المدینه علی رسول الله ص \* واعلمه بانویه وقال له ان شاهنشاه ملک الملوک کسری کتب الی الملك باذان یا مره ان یبعث الیک من یأتیه به وقد بعثنی الیک لتنطلق معی فان قبلت اکتب فیک الی ملک الملوک بکتاب ینفعک ویکف عنک به وان ابیت فهو من قد عاصی رسول الله ص \* و قد حلقا لحاهما واعفیا شواربهما فکره النظر الیهما وقال ویلکما من امرکما بهذا قالنا امرنا ربنا یعینان بذلك کسری فقال رسول الله ص \* لکن ربی امرنی باعفاء لحیتی وقص شاربی الخ - ترجمه - خلاصه ترجمه این است که دو نفر ریش تراش و سبیل کلفت از جانب کسری بواسطه باذان عامل یمن وارد مجلس حضرت رسول ص \* شدند حضرت کراحت داشت که نگاه بصورت آنها فرماید فرمود کی شمارا باین وضع امر کرده عرض کردند خدای

ما یعنی کسری بادشاه عجم رسول خدا \* ص \* فرمود پروردگار من  
 امر فرموده مرا باینکه ریش بکنم و قطع سبیلها را بکنم این روایت  
 اصلاً دلیل میشود بر حرمت ریش تراشی بجهت اینکه بیغمیر \* ص \*  
 از کفار آنس یست هم این عمل رازش داشت و امر الهی را بیان  
 فرمود و یقیناً این اشخاصی که مدعی دینت هستند و بزارت امیر  
 المؤمنین میآیند و باصورت تراشیده داخل حرم میشوند حضرت علی  
 ابن ابیطالب \* ع \* از آنها رو بر میگرداند

« فئاوای علماء و مجتهدین »

( بر حرمة ریش تراشی )

پرواضح است که مسئله حرمة تراشیدن ریش از جمله مسائل مسامه  
 بین فقهاء است بعد از اجماع بر حرمة از فریقین - عامه و خاصه و ماحله  
 از اقوال علماء و اساطین سابق و لاحق را نقل میکنیم  
 « ۱ » محدث بحرانی صاحب حدائق در آخر طهارتش بعد از اینکه  
 اخبار وارده از ائمه علیهم السلام را بر حرمة ریش تراشی نقل کرده  
 فرموده ( الثانية الظاهر كما استظهره جملة من الأصحاب كما عرفت تحریم  
 حاق باللهمة خبر المسخ المروی عن اهل المؤمنین \* ع \* فانه لا يقع المسخ الا  
 على ارتكاب امر محرم بالغ في التحريم )

حاصل کلمات این است که ریش تراشیدن حرام است کما اینکه  
 بزرگان از اصحاب برآیند از برای اینکه خبری که روایت شده و قبلاً  
 مادر اخبار ناب نقل کردیم خبر حضرت امیر المؤمنین \* ع \* بود  
 و قضیه مسخ شدن آن اشخاصی که ریش تراشیده بودند و مسخ در  
 شرع واقع نمیشود مگر از برای فعل محرمی که بالاتر از او حرامی  
 نباشد « ۲ » علامه المحدثین شیخ حر عاملی علامه بر عقد باب مستعقلی

دروسائل بر حرمة در کتاب - بدایة الهدایة - که خلاصه در آنجا تراشیدن ریش را در عداد محرمات مسامحه نموده

« ۳ » از جمله شیخ کبیر سیخ جعفر کاشف الغطاء در باب آداب محرمات فرموده حرام است تراشیدن ریش و فرموده احدی مخالفت در این مسئله نکرده

« ۴ » از جمله ملا محسن فیض در کتاب وافی بعد از این که اخبار را نقل کرده فرموده جماعتی از فقهای مافتوای دادند بحرمة ریش تراشیدن و اشنشهاد کرده اند بآیه (فلیغیرن) همچنانکه ما استدلال کردیم « ۵ » از جمله محدث نوری علیه الرحمہ در مستدرک الوسائل باین منعقد کرده بر حرمة تراشیدن ریش

« ۶ » از جمله شیخ احمد احسائی در رساله حیدریه گفته است تراشیدن ریش حرام و آداب مجوسی ها است « ۷ » فاضل کلباسی فرموده حرام است تراشیدن ریش و کراهت دارد دراز کردن ریش

« ۸ » علامه مجلسی در کتاب حلیۃ المتقین فرموده بدانکه سنت است ریش را میانه بلند گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه زیاده از یک قبضه مکروه است و احتمال حرمة نیز دارد و مشهور میان علماء آنست که تراشیدن ریش حرامست و احوط آنست که اصلاح بسیار نمایند که شبیه تراشیدن باشد نکنند

« ۹ » از جمله علامه بحر العلوم

« ۱۰ » و صاحب البدایع « ۱۱ » و صاحب الجواهر

« ۱۲ » و علامه انصاری در آخر جمیع المسائل فرموده تراشیدن ریش حرام است و مقراض کردن بطریق اصلاح چون خود شارع

تجویز کرده جایز است والا اگر ترخیصی از طرف شارع نبود ملاحق بود بتراشیدن

« ۱۳ » از جمله فقیه جلیل سید عبد الله شبر کاظمی در کتاب

احسن التقویم

« ۱۴ » شمس الفقهاء شهید اول در فواعل مسئله را مسلم دانسته

« ۱۵ » شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین سبط شهید ثانی

در - در المذثور - مبحث مستقلی بحرمة ریش تراشی عقد کرد و اثبات آنرا از اخبار کرده

« ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ » آیه الله میرزا سنیرازی و فاضل ایروانی

و آیه الله کوه کمری و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و آفایشخ زین العابدین حائری

تمام این اعلام در رسائل خودشان حکم بحرمة ریش تراشی کرده اند و در سؤالاتی که از هندوستان برای مرحوم حجة الاسلام آقاسید محمد

کاظم یزدی و مرحوم حجة الاسلام صدر اصفهانی و مرحوم حائری مازندرانی استفاده شده در ریش تراشی تمام این حجج حکم بحرمة

ریش تراشی کرده اند و مرحوم صدر اصفهانی فرمودند حقیر خودم دیدم در یکی از اورانی حاب شده - هر که بفرماید حلق

لحیه - ( تراشیدن ریش ) حرام نیست باسواد علمی ندارد یا اظهار فضیلت میخواهد بناید و از علمای عامه ابو القاسم حسین بن محمد بن

المنفصل راغب اصفهانی در کتاب محاضراتش حکم بحرمة تراشیدن ریش کرده آیه الله الشریعه اصفهانی در رساله خود بس از فتوی

بحرمت فرموده مسئله متسالم علیها بین فقهاء است و مرحوم آیه الله الشیخ المجهلین میرزا محمد حسین نائینی فرمودند علاوه بر حرمت کمتر

از يك قبضه هم بی اشكال نیست و فعلا هم جميع علماء و مختلدين نجف اشرف و كربلا تراشیدن ریش را حرام میدانند و احتیاج با بیکه اسماء شریف آنها را ذکر کنیم نیست و همچنین جميع علمای قم و مشهد تراشیدن ریش را حرام میدانند

بعد از این همه اقوال علماء و بزرگان دین اگر کمی مخالفت کنند از دو حال خارج نیست با اینکه میخواهد عناد و عصبیت خرج دهد یا اصلا دین ندارد بجهت اینکه فرمایشات علماء و حامیان دین واجب الطاعة است مثل این است که بیغمبر ص \* بیان نموده و نماها را از خود اوشنیده اید این فقهای اسلام از بان خود چیزی نمیگویند تمام را با مراجعه بکتاب اخبار میفرمایند مثل کتاب کافی که تألیف ثقة الاسلام مرحوم کلینی است که در زمان غیبت صغری این کتاب را تألیف کرده و بانواب خاص امام زمان که خدمت امام میر سید محمد خلط و آمیزش داشته و تمام این احکام را از خانواده عصمت اخذ کرده « مقدار گذاشتن ریش »

( در شریعت )

اما ظاهر اخبار و کلمات علماء در مکروه بودن زباده ارقبضه است ( روی ثقة الاسلام فی الوافی عن معلى بن خنيس عن ابی عبدالله ع \* قال ما زاد من اللحية من القبضة فهو فی النار ، وروی فی الوافی عن محمد ابن ابی حمزة عن اخبره عن ابی عبد الله ع \* قال ما زاد علی القبضة فی النار یعنی من اللحية ، وعن یونس عن بعض اصحابه عن ابی عبد الله ع \* ورواه فی العقیه مرسل عن ابی عبد الله ع \* فی قدر اللحية قال تقبض بیـدک علی اللحية و تحزما وفضل قال فی الوافی المراد بالقبض علی اللحية ان یضع یدیه علی ذقنه فیأخذ بطرفیه فیجزما فضل من یرسل

اللاحية طولاً لا القبض مما تحت الذفن وروي في الوافي وفي الفقيه عن محمد بن مسلم قال رأيت ابا جعفر \* ع \* والحجام يأخذ من لحية فقال دورها ( از جمیع این اخبار استعاده کراحت می شود بجهت اینکه امام معی فرمودند در یکی از روایات اگر کسی زیاده از قبضه ریش بگذارد آن زیاده در آتش است ملازمه ندارد که خود آن شخص هم در آتش باشد و اختلاف در معنی قبضه هم شده است مرحوم فیض علیه الرحمه در وافی معی کرده قصه را باینکه دستش را بگذارد بر دقش (جنه) و دو طرف ریش را بکبرد پس زیادی ها را بزند و معروف است شخصی سنی نسبتاً کتاب میخواند دید نوشته است که دوجیز علامت حماق است اول سر کوبان و دور دوم ریش دراز و همین آن شخص قدری تأمل کرده و دسنی بسر ریش خود کشیده دید هر دو علامت دراز موجود است آهی کستید فکری کرد با خود گفت سر من علاج ندارد که بزرگ شود ولی علاج ریش را توان نمود بدون اینکه تأمل کند چراغ را بپیش کشیده بک قصه از ریش در دست گرفته بافی را بسمله چراغ نزدیک ساخت شعله بریشش گرفت دستش بسوخت دست رها کرده تمام ریشش سوخت و صورتش برشته شد و آه و ناله اش ناله شد فلم برداشته بخاشه که آب نوشت که تجربه شد که ریش دراز و سر کوبان علامت حماق است و در این عالم سر کلام حضرت صادق \* ع \* ظاهر شد که اگر زیادی ریش در آتش جهنم باشد باید خودش هم بسوزد نه اینکه آب احق را در بهشت برند و درازی ریش او در جهنم آویزان است و نه اینکه وقتی میخواهد داخل بهشت شود زیادی ریش را جدا در جهنم بیزند زیرا که اهل بهشت جوان و امرد در نهایت حسن و جمال وارد بهشت میشوند ظاهر این

است که خود ریش دراز را بچشم اندازند که مخالفت فطرت اسلام نموده و خود را شبیه بیهود ساخته

## روایات وارده

«در استحباب زدن سبیل»

در باب حرمة ریش تراشی بعضی از روایات که نقل شده مشتمل بر گرفتن سبیل هم بود و روایات بالخصوص هم در کتب مختلفه وارد شده در جلد - ۱۶ - بحار علامه مجلسی نقل می‌کند قال الصادق \* ع \* اخذ الشارب من الجمعة الى الجمعة امان من الجذام وقال النبي \* ص \* لا يطوان احدكم شاربہ فان الشيطان يتخذہ مخمئا يستترہ وقال النبی \* ص \* من لم يأخذ شاربہ فليس منا من کتاب المحاسن عن الصادق \* ع \* حلق الشارب من السنه

« ترجمه » فرمود حضرت صادق \* ع \* گرفتن سبیل از جمعه تا جمعه دیگر امان است از مرض جذام و رهود بیغمبر \* ص \* احدی از شما مردم البته باید دراز نکند سبیلهايش را بدستیکه شیطان در زیر سبیلها مسکن می‌کند و خود را بشنان می‌کند فرمود بیغمبر \* ص \* هر کس نکیرد سبیلهايش را از ما اهل بیت نیست در کتاب محاسن از حضرت صادق \* ع \* روایت شده تراشیدن سبیل مستحب است بعد از این هفت بیانات در ربار از بیغمبر \* ص \* وائمه معصومین خلی بی انصافی است که شخص عاقل و متدین بدین اسلام در بیرامون یکعه من خرافات و خرافات حضرات صوفیه کردش کند و خود را مبتلا واسیریک شخص بی سواد و بی لیساق باسم مرشد که واقعاً مضل است نماید ای برادران دینی تا کی تا چند بقرائین اسلام پشت پا خواهیم زد چرا

این دستورات را عمل نمیکنید و دائماً دنبال هوی و هوس میگردید  
« خذوا زینتکم عند کل مسجد »

( در فضیلت شانه کردن ریش )

في تفسير العياشي عن ابي بصير عن ابي عبد الله \* ع \* قال سألتـه  
عن قوله تعالى خذوا زينتكم عند كل مسجد قال هو المشط عند كل  
صلاة فريضة ونافلة

« ترجمه » از ابي بصير روایت شده گفت سؤال کردم از ابا عبد الله  
\* ع \* از منی آیه - خذوا زینتکم عند کل مسجد - فرمود اباعبد  
الله \* ع \* زینت کردن در هر مسجدی آن شانه کردن ریش است  
در وقت هر نمازی واجب باشد یا مستحب

عن عمار التوفلي عن ابيه قال سمعت ابا الحسن \* ع \* يقول المشط  
بذهب بالوبا قال كان لأبي عبد الله \* ع \* مشط في المسجد يتمشط به  
إذا فرغ من صلوته

« ترجمه » عمار نوفلي از پدرش نقل کرده گفت شنیدم ابا الحسن  
\* ع \* را میفرمود شانه کردن مرض و بارامیرد و فرمود از برای ابا  
عبد الله شانه بود در مسجد وقتی فارغ از نماز میشدند شانه میکردند  
- و کان رسول الله \* ص \* یسرح تحت لحيته اریهین مره و من فوقها  
سبع مرات و يقول انه يزيد في الذهن و يقطع البلغم

« ترجمه » بیستمین \* ص \* شانه میکردند زیر ریش مبارکش را  
چهل مرتبه و از بالای ریش مقدسشان هفت مرتبه و میفرمودند شانه  
کردن ذهن را زیاد میکند و باغم را بر طرف میکند و لذا تجربه شده  
که این اشخاصی که ریش میتراشند چون موضوع نیست تا شانه بکنند  
از این فوائد محرومند و غالب ریش تراشها باغمی و بیچاره هستند و دائماً



هم مبتلا بدندان درد میشوند

قال الصادق \* ع \* فی قوله \* ص \* خذوا زینتکم عند کل مسجد  
قال تمشطو فان المشط یجلب الرزق ویحسن الشعر وینجز الحاجة  
ويزید فی الصلابة ویقطع البلغم

« ترجمه » فرمود حضرت صادق \* ع \* در ذیل آیه شریفه خذوا  
زینتکم عند کل مسجد شانه کنید بدستیکه شانه کردن روزی را  
زیاد میکند و موها را نیکو میکند و حاجات بر میآورد و اولاد را زیاد  
میکند و بلغم را قطع میکند بس شخص ریش تراش از این فوائدی  
که امام صادق \* ع \* فرموده محروم است

قال الصادق \* ع \* مشط الرأس ینذهب بالوبا و یسقط اللجیمه شیء  
الاضر اس

« ترجمه » فرمود شانه کردن سر و بارا میبرد و شانه کردن ریش  
دندانها را محکم میکند و لذا گویند آن طبیب یونانی گفت اگر ریش  
تراشی نبود در بین مردم اصلاً این دندانها باین عمرها نشان که نهایت  
میکرد و قال ابو الحسن موسی بن جعفر \* ع \* اذا سرت لحیتک  
ورأسک فامر المشط علی صدرک فانه ینذهب بالهم والوبا

« ترجمه » فرمود موسی بن جعفر \* ع \* در وقتی که شانه میکنی  
ریش خودت را و سرت را بس مرور بده شانه را بر سینۀ ات بس  
بدستیکه هم و غم و و باه را میبرد بس ای مدعی دیانت اقبال این کلمات  
در ربار اهل عصمت را که از طرف خدا میگویند و از خودشان اصلاً  
سخنی نمیگویند تماش از جانب حکیم مطلق جل شأنه میداشد در بونه  
عمل بگذارید و هیچ مصرف هم ندارد جزرها کردن هوی و هوس

« فضائل وفوائد مسواک کردن »

فی کتاب امالی الصدوق عن المفضل عن الصادق \* ع \* قال علیکم  
بالسواک مطهرة وسنة حسنة الخ فی مناهج النبی \* ص \* انه قال ما زال  
جبرئیل یوصیّنی بالسواک حتی ظننت انه سيجعله فريضة

— ترجمه — در کتاب امالی شیخ صدوق علیه الرحمہ از مفضل از  
حضرت صادق \* ع \* مروی است فرمود امام صادق بر تمام باد بمسواک  
کردن بجهت اینکه پاک کننده است و سنت نیکو نیست فرمود بیغمیر  
\* ص \* همیشه اوقات جبرئیل \* ع \* وصیت میکند مرا بمسواک  
کردن بچوریکه کمان کردم خدا واجب کرده مسواک را

فی علل الشرایع عن ابی جعفر \* ع \* قال قال رسول الله \* ص \* لو  
لان شق علی امی لا رتم بالسواک مع کل صلاوة

« ترجمه » از حضرت اباجعفر \* ع \* مروی است که فرمود حضرت  
رسول \* ص \* اگر دشواد نبود بر امت من هر آینه امر نمیکردم  
آنها را بر مسواک کردن باهر نمازی که میخوانند

قال ابوجعفر \* ع \* لکل شیء طهور و طهور الهم السواک  
— ترجمه — فرمود اباجعفر \* ع \* از برای هر چیزی پاک کننده ایست  
و پاک کننده دهان مسواک کردن است

عن النبی \* ص \* قال اربع من المرسلین العطر والنساء  
والسواک والحناء

« ترجمه » فرمود پیغمبر \* ص \* چهار چیز از سنن و مستحبات  
پیغمبران و فرستاده شدگان از جانب خدا است عطر زدن و زن گرفتن  
و مسواک کردن و حنای مالیدن

وقال النبی \* ص \* السواک فیہ عشر خصال مطهرة للفم مرضات

لارب يضاعف الحسنات سبعین ضعفا وهو من السنة ويذهب بالحنف  
ويبيض الاسنان ويشد اللثة ويقطع الباسم ويذهب بنشاوة البصر  
ويشهي الطعام

— ترجمه — فرمود بیغممر « ص » مسواک کردن در او ده خصیلت و فائده  
است ( اول ) پاک کننده دهن است ( دوم ) خشنودی خدا در او  
است ( سوم ) کارهای خوب و نیکوئی مسواک کننده ثوابش هفتاد  
برابر میشود ( چهارم ) اینکه از مستحبات است ( پنجم ) زردی های  
روی دندان را میبرد ( ششم ) دندانها را سفید میکند ( هفتم ) لثه ها  
را محکم میکند ( هشتم ) بلغم را رفع میکند ( نهم ) برده از جلوی چشم  
برداشته میشود ( دهم ) اشتها بطعام پیدا میکند

از این قبیل روایات در فضیلت و خاصیت مسواک کردن بقدری زیاد  
است که قلم ریا رایی نوشتن نیست و شارع مقدس اسلام تمام احکام  
راحتی احکام بیت الخلا رفتن را برای من و شما فرموده و لکن اہمالت  
هوی خواه غافلیم از خواص آئین اسلام فعلا خارجیهما استفاده بیشتر  
میکنند از فرمایشات بیغممر مابعدی از این اموریکه فوائد دنیوی دارد  
مثل مسواک کردن و عطر زدن

« فضیلت و فوائد عطر زدن »

در کتاب طب الاثمه روایت شده « لما عرج بالنبی فتقطر عرقه الى  
الأرض فانبت من العرق الورد الأحمر فقال رسول الله « ص » من  
اراد ان یشم رائحتي فلیشم الورد الأحمر

— ترجمه — موقعی که بیغممر « ص » بمعراج میرفتند عرق کردند  
بس قطره های عرق مبارکشانش بر زمین ریخت بس از آن عرق کل  
قرمز ( کل محمدی ) روئید بس فرمودند که هر کس که میخواید

بوی مرا استنشام کنند کل قرص را بیورند

قال رسول الله « ص » الريح الطيبة تسد القلب وتزيد في الجماع  
— ترجمه — فرمود پیغمبر « ص » بوهسای پاکیزه از قبیل عطریات

قلب را محکم میکند و جماع را زیاد میکند

في الحصال عن ابي عبد الله « ع » قال ثلاث يسمن وثلاث يهزلن  
فاما التي يسمن فادمان الحمام وشم الرائحة الطيبة ولبس الثياب اللينة  
فاما التي يهزلن فادمان اكل البيض والسّمك والطلع

— ترجمه — اباعبد الله « ع » فرمود سه چیز انسان را چاق و فربه

میکند ( اول ) زیاد حمام رفتن ( دوم ) بوی بدن عطریات ( سوم )

لباسهای نرم پوشیدن و سه چیز انسان را لاغر میکند ( اول ) زیاد

تخم مرغ خوردن ( دوم ) ماهی خوردن ( سوم ) طلع درخت خرما

خوردن که قبل از رسیدن باشد در حالت بسر بودن و مخفی نماند که

شارع مقدس زنان را منع از استعمال عطریات کرده در موقع بیرون

رفتن از منزل و لکن در منزل از برای شوهرهای خود هر گونه آرایش

کنند مجازند از طرف شارع و سرش پرواضح است در کتاب میل

جنسی در زن و مرد « بیولوژی عشق و ازدواج » ترجمه عبد الله توکل

در صفحه ۷۵- نوشته عطر یکی از بهترین داروهای آرایش و خود

فروشی است بوی طبیعی بدن زن. حس شهوت را تحریک میکند.

بوی سبیل کوهی کربه ها را بسوی خود میکشاند بس بنابراین زن

مسلمان نباید در موقع بیرون رفتن از خانه عطر بزند

« فلسفه امر بمعروف و نهی از منکر »

ای اشخاصی که متدین بدین اسلام هستید و شبانه روز در بنج وقت

نماز میخوانید و سال یک مرتبه روزه میگیرید بدانید که امر بمعروف

و نهی از منکر هم یکی از واجبات است که بر هر فرد مسلمی واجب است انجام وظیفه کند فقط مختص بر علماء و علمای دین نیست بلکه بر جمیع مسلمین است که اقدام کنند باین امری که خود امام فلسفه او را بیان نموده (بعبارت واضحتر که خیال نکنی اسم فلسفه از اروپا آمده) آن فوایدی که مترتب بر امر معروف و نهی از منکر است خود شارع بیان نموده

في التهذيب والوسائل عن أبي جعفر \* ع \* قال يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مرأون الى ان قال ولواضرت الصلوة بساير ما يعملون باموالهم وابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض واسرفها ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عز وجل عليهم ويعمهم بعقابه فيهلك الأبرار في دار الأشرار والصغار في دار الكبار ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصالحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب وتحمل المكاسب وترد المطالم وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر الخ الحديث

— ترجمه — در تهذيب و در وسائل از حضرت اباجعفر \* ع \* روایت شده فرمود در آخر الزمان گروهی میباشند که بیروی کرده میشوند در ایشان گروهی که ریاکننده اند تا اینکه فرمود اگر نماز ضرر بزند بکارهایشان و باموالشان و بدنهایشان هر آینه ترك میکنند نماز را مثل اینکه ترك کردند بالاترین واجبات را و شریفترین واجبات را بدستیکه امر بمعروف و نهی از منکر واجب بزرگی است که بواسطه او اقامه واجبات میشود در این موقع که ترك میکنند بسر میرسد غضب خداوند تبارک و تعالی پس عذابش شامل همه میشود پس هلاک

میشوند خوبان درخانه بدان و کوجکان « بجه‌های بی‌کنانه » درخانه  
بزرگان بدرستی که امر بمعروف و نهی ازمنکر راه بی‌غمیران است  
و طریقته صلحاء و خویان است و اجبی است بزرگ بواسطه اوقافه  
واجبات میشود و مأمن میشود و طرق و راه‌ها و حلال میشود  
کسبها ورد کرده میشود ظالمها و معمر میشود زهین و انصاف گرفته  
میشود از دشمنان و مستقیم میشود کارها

عن علي بن ابراهيم عن هرون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن  
ابي عبد الله \* ع \* قال قال النبي \* ص \* كيف بكم اذا فسدت نساؤکم  
و فسق شبا بکم و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر فقیل له و یكون  
ذلك یارسول الله فقال نعم و شر من ذلك کیف بکم اذا امرتم بالمنکر  
و نهیتم عن المعروف فقیل له یارسول الله و یكون ذلك قال نعم و شر  
ذلك کیف بکم اذا رأیتم المعروف منکر و المنکر معروفاً

— ترجمه — علی بن ابراهیم فمی بسند خود از حضرت صادق \* ع \*  
روایت میکنند که امام صادق فرمود بی‌غمیر \* ص \* فرمود چه میشود  
شمارا در وقتیکه رنهای شما فاسد شوند و جوانهای شما فاسق و شما آنها  
را امر بمعروف و نهی ازمنکر نمی‌کنید پس گفته شد یارسول الله  
میشود اینطور شود پس فرمود بلی بدتر از این شما را چه شود وقتی  
که امر میکنید مردم را بکارهای بد و نهی میکنید از کارهای خوب  
پس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود فرمود بلی بدتر از  
این شما را چه شود در وقتیکه کارهای خوب و زیبا را بدو زشت میدانید  
و کارهای زشت و بد را خوب و زیبا روایت در باب امر بمعروف  
و نهی ازمنکر زیاده از حد است

و لکن عمل کرده نمیشود اسلام در موقعی قوت می‌گیرد که این

مناسبت از مابین مردم رفع شود تا این گونه بی ناموسی ها و لا ابالی گریها در مابین مردم رفع نشود اصلاح نخواهد شد چرا موضوع حجاب را تعقیب نمیکنید مگر هر روز قرآن نمیخوانید چرا میخوانید صرف خواندن که نیست نرول قرآن برای عمل کردن با احکام الهی است همانطوریکه نماز میخوانید باید امر بمعروف و نهی از منکر هم بکنید و لکن با شرائط تمام این مناسبتی را که امروز می بینید از این کشف حجاب پیدا شده بجهت اینکه آن زنی که خود را آرایش میکند و در خیابانها گردش و پیرو د دل هزارها جوان را بی رباید و جوان هم درازاء آن خود را درست کرده ریش وین تراشد سرافسار « کروات » می اندازد با تمام بی شرمی و بی سرفی عشق بازی می نابد ای متمسکین بی تمسکین چرا هم خوابه خود را بخوابانها و اسنخرها و سینماها و تئاترها و میفرستی و دختر خود را بد بیرستان که جز درس عشق بازی یاد نمی گیرد رها میکی خودت فکر کن وجدانت قبول این معنی را می کند یا نه چرا باید در مملکت اسلامی این مقدار مسکرات بفروش رود این شرابها که غیر از ضرر دنیوی و اخروی فایده دیگر ندارد و خداوند تبارک و تعالی در کتاب مجیدش حرمت شرب آنرا بیان نموده باینحال اگر بحرکز ایران که طهران است روی و همینطور بعضی از شهرهای دیگر مغازه های مشروب فروشی بیشتر است از مغازه های کتاب فروشی

ای اهل مشهد و مجاورین قبر علی بن موسی الرضا چرا باند کار خانه مشروب سازی در آن سرزمین بوده باشد و هیچ گفته نشود چرا از مجاورین قبر خواهرت حضرت معصومه تعلیم نکر فتید با تمام مردانگی هفتوت دکا کین عرق فروشی را مضحک کردند واقعا هم نتیجه

ردند بکوشید در اظهار حقایق و هدایت کمر اهان  
« قولوا الحق ولو كان علی انفسكم »

(نکته قابل توجه)

یکی از عمر ماتی که در مملکت مسامین و شیعیان امیر المؤمنین (ع) قبحش  
بر طرف شده مسئله ردی است که اصلاً اهمیت باین محرم بزرگ داده نمیشود  
تمام بی شرمی از تمام طبقات مرتکب این عمل شنیع هستند و میگویند  
اخبارش که عیبی ندارد و لکن غافلند از اینکه اصلاً وضع رادیو از  
رای غافل کردن جامعه اسلام است از ذکر خدا و احکامش و علاوه  
برش دارید چشم دارید بی شنوید که روز و شب جز ساز و نوازی  
که باعث فساد اخلاق زن و فرزند و غفلت آنان از ذکر خدا فائده دیگر  
ندارد و اصلاً هتک بکتاب آسمانی میشود ؟

بجهت اینکه چند سوره از قرآن مجید هم اگر خوانده شود  
بدش رقص دختر مصری و ویالون زدن و ساز نواز است و حال  
آنکه اگر قبل از آیات قرآنی قرائت شده نهی از تمام این اعمال  
شنیع میکند و خلاصه بکوشید در رفع این مفاسد تا کی عبرت نمیگیرید  
هرگز مری ابرای خود تصور نمی نائید و گرنه ساعی فرار  
خواهید گرفت بدانید آن چیزهایی که وسیله از برای نشر اعمال  
شنیعه است بجامعه « از قبیل ویالون زدن و ساز و نواز و خواندن زن  
مصری » حرام است باتفاق جمیع علماء و هر کس مخالفت نماید از دو حال  
خارج نیست یا اینکه مدارک احکام را نمی فهمد و یا اینکه هری پرست  
دهوی خواه است



## آزادی فحشاء

در کشور ایران

جرا باید در کشور ایران که مذهب رسمی مردم تشیع و دین رسمی مردم اسلام است در هر شهری فواحش بوده باشد بطوریکه اصلاً آزاد باشد و دوات هم در کارهای آنها نظارت داشته باشد و لهذا می‌کوشد که از شیوع سوزاك و سفلیس جلوگیری کند اما بدبختانه این کار سودی ندارد و فواحش جوانان را روز بروز بیچاره تر می‌کنند در بعضی از کشورهای دنیا که بوی اسلام هم بدماغشان نخورده دوات حاف و صریح فحشاء را ممنوع داشته ولی متأسفانه کشور ایران که مرکز تشیع و علوم آل محمد است باید در هر شهری محل مخصوص بنام « شهر نو » مهیا و آماده باشد از برای بر باد دادن عفت و منقطع کردن نسل عده از جوانان

بدانید ای مدعیان دین اسلام تا روزی که « شهر نو » در کشور شما وجود دارد « هیچ انجمن مبارزه با فساد » نخواهد توانست کاری از پیش ببرد بدبختانه باید اعتراف کرد که ایران کنونی مرکز ثقل بیماریهای آمیزشی در خاور میانه شده است و سرنوشت « اهواز » و « آبادان » از بندر « مارسیل » « فرانسه » بدتر است و سرنوشت تهران را همه ما میدانیم و مؤلف کتاب « بامین بشهر نو بیائید » خوب مطالب را آفتابی نموده و يك تنك بزرگی است از برای جامعه اسلام و یقین بدانید که این کتاب بزبانهای دیگر ترجمه میشود و فضاحت آن عالم کبر میشود لهذا بکوشید در رفع کردن این فقر یتهای شهر نوی و میکر بهای سوزاك و سفلیس و دوات ایران اگر علاقه داشته

باشد که جو انانرا از بدبختی نجات دهد و نکندارد که در سال شصت هزار نفر برای معالجه سوزاك وسفليس شان به بیمارستان نجات بروند باید جاره<sup>\*</sup> بیندیشد و شهر نو را از میان بردارد بعقیده حقیر این است که باید حتی القوه این کار را انجام داد برای خاطر بقای نسل ایرانی و ناقطع نظر از جنبه دیانت آیا وجدان شخص عاقل راضی میشود برای آنکه ناموس دبکران را در یکشب اشخاص متعدده باو عشق ورزاند و الا در کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده نهی از نظر کردن بناحرم نموده حتی پوشانیدن زن چشمش را از مردناحرم تاجیه رسد این بی ناموسی ها خلاصه بکوشید در قطع کردن بنیاد این بی عفتی هائیکه باعث عذاب و عقاب اخروی است

## محل مسئله کردن

(یا سالون آرایشگاه)

در سالون آرایشگاه مسلمانها ریش می تراشند و لکن پیغمبر \* ص \* فرموده مثله می کنند و هر کس مثله کند لعنت و غضب الهی بر اوست آن شخصی که بسالون آرایش می آید و حاضر میشود برای تراشیدن ریش خود مبتلا بعذاب اخروی و امراض دنیوی میشود و لکن مسلمانان و آرایش دهندة علاوه بر عذاب اخروی اجرتی را که در مقابل عمل تراشیدن ریش غیر میگیرد حرام است و مالک آن نمیشود و لباسهایی که با آن وجه میخرد عصی است و تمام اعمالش از قبیل نماز و حجش باطل است بجهت اینکه اجرت بر عمل محرم حرام است تا جماع تمام فقهاء مسلمین مثل اجرت گرفتن بر صنایع آلات قمار و ساختن مشربوبات و السلام علی من اتبع الهدی

# فهرست

صفحه عنوان

۶	مضرات گمان احکام شرعیه
۷	وظیفه جاهلان در احکام شرعیه
۸	خطای جاهلان در احکام شرعیه
۱۰	اقوال اطباء در مضرات ریش تراشی
۱۲	استدلال بر حرمة ریش تراشی از قرآن کریم
۱۴	اخبار وارده در حرمة ریش تراشی
۱۶	سیره قطعیه در قبح ریش تراشی
۱۷	نقل اجماع علماء شیعه
۱۷	نقل اجماع علماء مذاهب اربعه در حرمة ریش تراشی
۲۰	تائیدات از اخبار بر حرمة ریش تراشی
۲۳	فتاویٰ علماء و مجتهدین بر حرمة ریش تراشی
۲۶	مقدار گذاشتن ریش در شریعت
۲۸	روایات وارده در استحباب زدن سبیل
۲۹	در فضیلت شانه کردن ریش
۳۱	فضائل و فوائد مسواک کردن
۳۲	فضیلت و فوائد عطر زدن
۳۳	فلسفه امر بمعروف و نهی از منکر
۳۷	نکته قابل توجه
۳۸	آزادی فحشاء در کشور ایران
۳۹	محل مثله کردن یا (سالون آرایشگاه)

## غلط نام

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۰	سعائمندی	سعادت مندی
۳	۱۲	اکثر	اکثر
۶	۲	ممکنان	ممکنات
۱۶	۱۸	حفظ	حفظ
۱۹	۲۲	یشود	یشود
۲۱	۶	دشمنان	دشمنان
۲۲	۳	اپن	این
۲۳	۴	پرست	پرست
۲۳	۵	یقیناً	یقیناً
۲۴	۸	اشتشہاد	اشتشہاد
۲۵	۱۵	استفداء	استفقاء
۳۵	۴	وطرق	طرق
۳۷	۲	ردیو	رادیو
۳۷	۷	خد	خدا
۳۷	۱۱	آ این بات	این آیات

کتاب دیگر ہوائی ک، بہرہ  
بطاع خواہد رہے

سنت النبویہ

فی الادب والادب

فردی - نوعی - اجتماعی

---

عنبران مرآت

نصف اشرف - ہندوستان



239E

DUE DATE

1943/5

0288

۳۹۴

۲۹۷۲۵

۳۹۴

۲۹۷۲۵

۵۳۸۸

دین حنیف پارسا له خفیه حوت لشر تیرگی